



فهرست مطالب

۲ ظهور صیغه امر در بعث حقیقی.

۲ وجوه ذکر شده برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی.

۲ وجه اول: اصالة الحقیقه بنا بر نظریه دوم.

۲ وجه دوم: اصالة الاطلاق بنا بر نظریه چهارم.

۳ وجه سوم: اصالة الاطلاق به تقریری متفاوت.

۳ اطلاق و اقسام آن

۴ بیان اصالة الاطلاق بنا بر وجه سوم.

۴ اشکال به وجه سوم.

۴ وجه چهارم: مناسبات حکم و موضوع.

۵ نظر استاد: صحت وجه چهارم و سوم.

۵ تقسیم بحث‌های اصولی به تحلیلی محض و غیر آن.

۵ ظهور امر در وجوب بنا بر نظر مشهور.



بسم الله الرحمن الرحيم

ظهور صیغه امر در بعث حقیقی

بعد از اینکه نظریات چهارگانه در موضوع له صیغه امر بیان شد سؤالی که در ذیل مباحث صیغه امر مطرح است، این است که اگر صیغه امر بدون قرینه به کار رفت، آیا ظهور در بعث حقیقی دارد و یا اینکه مردد بین معانی و دواعی مختلف می‌باشد؟ در جواب این سؤال باید گفت که تردیدی وجود ندارد که در صورتی که صیغه امر بدون قرینه به کار رود ظهور در بعث حقیقی دارد و اختلافی در این مورد بین مسلک‌های مختلفی که در موضوع له صیغه امر بیان شد، وجود ندارد.

وجوه ذکر شده برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی

البته در وجه این ظهور بین این مبانی اختلاف وجود دارد. البته بنا بر نظریه دوم و چهارم، تخریج وجه ظهور امری سهل و راحت می‌باشد اما تخریج این وجه بنا بر نظریه صاحب کفایه که دواعی را مطلقاً از موضوع له خارج می‌دانست و یا بنا بر نظریه اول که دواعی را مطلقاً در موضوع له داخل می‌دانست و می‌گفت که به ازای هر کدام وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است، جای بحث دارد.

وجه اول: اصالة الحقيقة بنا بر نظریه دوم

یکی از وجوهی که برای این ظهور ذکر شده است، اصالة الحقيقة می‌باشد البته این وجه مبتنی بر نظریه دوم است که موضوع له صیغه امر را بعث به داعی حقیقی می‌دانست و در مواردی که قرینه‌ای بر تعیین مراد آمر نباشد به اصالة الحقيقة تمسک می‌کرد.

وجه دوم: اصالة الاطلاق بنا بر نظریه چهارم

یکی دیگر از وجوهی که برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی بیان شده است، اصالة الاطلاق است که البته این وجه بنا بر نظریه چهارم - نظریه صاحب منتقى الاصول - صحیح می‌باشد. بنا بر نظریه چهارم در همه موارد کاربرد، بعث



حقیقی موضوع له صیغه امر می‌باشد و تفاوت هرکدام به قیود و شروط آنها می‌باشد و در مواردی که قید و شرطی وجود نداشته باشد مراد همان بعث حقیقی و یا داعی حقیقی است که در دیگر نظریات مطرح شده است. بنا بر این نظریه وجه ظهور صیغه امر در بعث حقیقی و ایجاد متعلق امر، اصالة اطلاق و عدم وجود قید و شرط می‌باشد.

وجه سوم: اصالة الاطلاق به تقریری متفاوت

وجه سومی که برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی ذکر شده است اصالة الاطلاق البته به بیانی متفاوت از اصالة الاطلاقی که بنا بر نظریه چهارم بیان شد.

اطلاق و اقسام آن

قبل از بیان وجه سومی که در تخریج ظهور صیغه امر در بعث حقیقی بیان شده است نکته‌ای درباره اطلاق و اقسام آن لازم است، بیان شود و آن این است که نتیجه اطلاق بر دو گونه می‌باشد. گاهی نتیجه اطلاق، اطلاق شمولی و داخل بودن همه اقسام در حکم است و گاهی نتیجه اطلاق تعیین احد الاقسام می‌باشد و علت این امر هم این است که گاهی تقسیمات و انواع یکشی، عرضی و در رتبه واحده هستند و اراده و قرینه آوردن برای هرکدام از این اقسام به یک اندازه مؤونه نیاز دارد که نتیجه اطلاق در این صورت شمول حکم نسبت به همه اقسام می‌باشد مانند جایی که امر به آزاد کردن رقبه می‌شویم که اقسام رقبه به لحاظ مؤونه قرینه آوردن در رتبه واحد می‌باشند ولی گاهی تقسیمات و انواع یکشی در قرینه آوردن به لحاظ عرفی متوازن و متعادل نیستند و قرینه آوردن برای یکی مؤونه بیشتری نسبت به دیگری نیاز دارد و اراده همه اقسام هم ممکن نیست مانند واجب توسلی و واجب تعبدی که قید واجب تعبدی، قید وجودی است و اگر این قسم را شارع بخواهد اراده کند باید تصریح به آن کند مثلاً اینکه قصد امر لازم است اما قید واجب توسلی وجودی نیست بلکه عدمی است و نیازی به تصریح به اینکه قصد امر لازم نیست، نمی‌باشد که قرینه آوردن برای این قسم اخف المؤونه می‌باشد. در این صورت نتیجه اطلاق تعیین احد الاقسام و انصراف حکم به قسمی که اخف المؤونه است، می‌باشد چون مولی در مقام بیان بوده است و اگر آن قسمی که نیاز به قید و مؤونه بیشتری دارد، مراد او بود حتماً بیان می‌کرد و قید را می‌آورد و چون قید را نیاورده است پس آن قسم مراد شارع نبوده است.



بیان اصالة الاطلاق بنا بر وجه سوم

بیان اصالة الاطلاقی که در اینجا بیان شده است این است که هر چند در بدو امر معانی مختلفی و یا دواعی مختلفی که برای صیغه امر بیان شده است در عرض هم به نظر می‌رسد اما چون اراده همه معانی و دواعی ممکن نیست و همچنین به لحاظ عرفی اراده معنای بعث حقیقی یا داعی بعث حقیقی نسبت به موارد دیگر اخف المؤمنه می‌باشد و اراده دواعی دیگر مانند تهدید یا تعجیز نیاز به مؤونه بیشتری دارد پس وقتی شارع قرینه‌ای نیاورد عرفاً نتیجه اطلاق، انصراف حکم به بعث حقیقی می‌باشد. تخریج این وجه به بیانی که ذکر شد بنا بر نظریه صاحب کفایه و یا دیگر نظریات صحیح می‌باشد اما اصالة الاطلاق به بیانی که بر مبنای نظریه چهارم بیان شد فقط بر طبق همان نظریه صحیح است.

اشکال به وجه سوم

مناقشه‌ای که به وجه سوم وارد شده است این است که این گونه نیست که بعث حقیقی نسبت به سایر معانی و دواعی اخف المؤمنه باشد بلکه همه این معانی و دواعی در رتبه واحده می‌باشند و مانند واجب توسلی و تعبدی نیست که قرینه یکی وجودی و قرینه دیگری عدمی و در نتیجه اخف المؤمنه باشد بلکه قرینه آوردن برای همه این معانی و دواعی وجودی و در رتبه واحده می‌باشد پس اصالة الاطلاق نمی‌تواند این ظهور را ثابت کند. هر چند این مناقشه فی الجمله وارد می‌باشد اما در ادامه بحث، نکاتی در تکمیل این بحث بیان خواهد شد.

وجه چهارم: مناسبات حکم و موضوع

وجه چهارمی که در تخریج ظهور صیغه امر در بعث حقیقی بیان شده است، حکم عقل و یا به تعبیر دیگر مناسبات حکم و موضوع می‌باشد که حکم عقلی می‌باشد به این بیان که موضوع له صیغه امر - بنا بر مبنای صاحب کفایه و مختار - انشا طلب و بعث می‌باشد و دواعی خارج از موضوع له می‌باشند اما به حکم عقل انشا طلب و بعث با بعث و طلب حقیقی سنخیت و مناسبت بیشتری دارد و در مواردی که قرینه‌ای بر تعیین مراد وجود ندارد، به حکم عقل - مناسبت حکم و موضوع - بعث به داعی حقیقی، اراده جدی آمر می‌باشد.



نظر استاد: صحت وجه چهارم و سوم

وجه چهارم که در واقع حکم عقلی می‌باشد صحیح می‌باشد و می‌توان به آن تمسک کرد و این وجه و حکم عقل نیز می‌تواند مؤیدی بر صحت وجه سوم هم باشد چون هر چند دواعی و معانی مختلف در رتبه واحده هستند اما با وجود این حکم عقلی بر مسانخت بین انشا طلب و بعث حقیقی بعث حقیقی نسبت به سایر معانی و دواعی اخف المؤمنه می‌باشد پس نتیجه اطلاق در مقام تعیین بعث حقیقی می‌باشد؛ و ارتکاز هم بر این است که در مواردی که قرینه‌ای وجود ندارد بعث حقیقی مراد است.

تقسیم بحث‌های اصولی به تحلیلی محض و غیر آن

البته نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است و شهید صدر هم به آن اشاره کرده‌اند، این است که بحث‌های اصولی بر دو قسم است گاهی بحث‌های تحلیلی محض و علمی می‌باشد و اختلاف نظرها ثمره عملی ندارد مانند بحثی که در بالا بیان شد و یا منشأ اختلاف معنای حرفی و اسمی که همه اختلاف معنای حرفی و اسمی و یا ظهور صیغه امر در بعث حقیقی را قبول دارند ولی در وجه این اختلاف معنا یا ظهور، اختلاف نظر دارند ولی گاهی بحث‌های اصولی بحث تحلیلی صرف نیست و اختلاف نظر در آن موارد ثمره عملی دارد مانند اختلاف نظر در اینکه آیا شرط مفهوم دارد یا خیر؟

ظهور امر در وجوب بنا بر نظر مشهور

جهت دومی در ذیل مباحث امر وجود دارد این است که آیا امر، ظهور در وجوب دارد یا اینکه ظهور در ندب دارد و یا اینکه در هیچ‌کدام ظهوری ندارد و تعیین هر کدام نیاز به قرینه دارد؟ نظر مشهور در جواب به این سؤال این است که امر ظهور در وجوب دارد البته در وجه این ظهور اختلاف نظر وجود که بعضی وجه ظهور را اطلاق و مقدمات حکمت و بعضی وجه ظهور را حکم عقل و عده‌ای هم وجوب را جز موضوع له صیغه امر می‌دانند. البته در ذیل هر کدام از این احتمالات هم تقریرات متفاوتی وجود دارد.